

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم بہ ساحت مقدس حضرت مولانا

صاحب الزمان ارواحنا لہ الفداء

باستغفار:

پدرم و مادرم

و ہمسر عزیزم

و تمامی اساتیدی کہ متحمل زحمات بسیاری در طول دوران تحصیل اینجانب شدند.

ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن

در آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام

علی کریمی خوشحال

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

تهران: بزرگراه شهید چمران،

پل مدیریت

تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

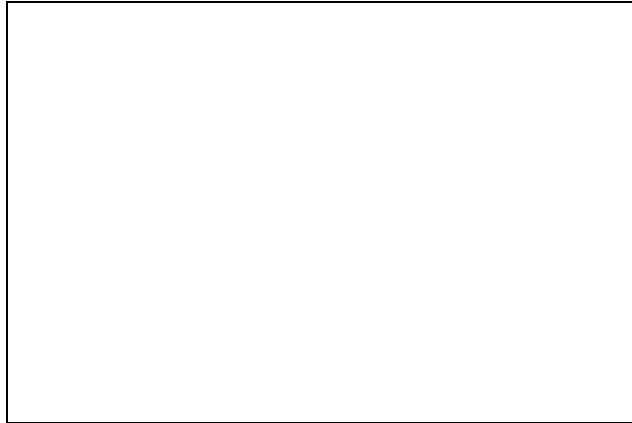
E-mail: isu.press@yahoo.com



دانشگاه امام صادق

ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن در آموزه‌های معصومین ■ تألیف: علی کریمی خوشحال ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (علیه السلام) ■ نمایه‌سازی: رضا دیبا ■ چاپ اول: ۱۳۹۱ ■ قیمت: ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک:

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.



فهرست مطالب

۱۱ سخن ناشر
۱۵ دیباچه
۱۹ مقدمه
۱۹ ۱. تعریف مسأله
۲۱ ۲. ضرورت و پیشینه تألیف
۲۲ ۳. سؤالات تألیف
۲۳ ۴. فرضیه‌ها
۲۳ ۵. روش انجام تألیف
۲۵ بخش اول: کلیات
۲۷ فصل ۱: آیات الاحکام، تعریف و کتاب‌های تألیف شده در آن
۲۷ ۱. تعریف آیات الاحکام
۲۸ ۱-۱. آیات
۲۸ ۱-۱-۱. آیه در لغت
۲۹ ۱-۱-۲. آیه در قرآن و اصطلاح
۳۲ ۱-۱-۳. زمینه‌های کاربردی شناخت آیه در فقه
۳۲ ۱-۱-۴. محدوده آیه
۳۵ الف. نقد و بررسی نظرات
۳۷ ۱-۲. احکام

- ۳۷..... ۱-۲-۱. حکم در لغت
- ۳۷..... ۲-۲-۱. حکم در اصطلاح
- ۳۹..... ۳-۲-۱. اقسام حکم
- ۴۰..... ۴-۲-۱. مراتب حکم
- ۴۰..... ۳-۱. نتیجه‌گیری
- ۴۱..... ۲. کتاب‌های تألیف‌شده در زمینه آیات‌الاحکام
- ۶۸..... پی‌نوشت‌ها
- ۷۷..... فصل ۲: ائمه اطهار علیهم‌السلام و نقش شارح بودن قرآن
- ۷۷..... ۱. شأن مفسری ائمه معصومین علیهم‌السلام در قرآن
- ۷۸..... ۱-۱. آیه مس
- ۷۸..... ۱-۱-۱. مس در لغت
- ۷۹..... ۲-۱-۱. طهارت در لغت و اصطلاح
- ۸۱..... ۳-۱-۱. طهارت اصل واحد اسلام
- ۸۱..... ۴-۱-۱. بررسی آیه مس و مفاد حاصل از آن
- ۸۴..... اول. اهمیت طهارت باطنی
- ۸۶..... دوم. راه‌های دستیابی به طهارت
- ۸۷..... سوم. بررسی روایات ذیل آیه مس
- ۸۹..... چهارم. مطهرون چه کسانی هستند؟
- ۱۰۱..... ۲. شأن مفسری ائمه معصومین علیهم‌السلام در سنت
- ۱۰۱..... ۱-۲. دلالت حدیث ثقلین بر وجوب تمسک به عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
- ۱۰۳..... ۱-۱-۲. حدیث «وَسُنَّتِي» در ترازی نقد
- ۱۰۴..... اول. بررسی متنی و سندی
- ۱۰۸..... دوم. بررسی شاهد حدیثی حاکم نیشابوری
- ۱۰۹..... سوم. نتیجه‌گیری
- ۱۱۰..... ۲-۱-۲. بررسی مفاد حدیث ثقلین
- ۱۱۵..... اول. مدار هم‌بستگی ثقلین
- ۱۱۶..... ۳. نتیجه‌گیری
- ۱۲۰..... پی‌نوشت‌ها

فصل ۳: تفسیر ضوابط استنباط	۱۴۵
بخش دوم: ضوابط استنباط از دیدگاه اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۱۴۹
مقدمه	۱۵۱
ویژگی های فقه قرآن	۱۵۱
۱. عام و کلی بودن	۱۵۲
۲. پراکندگی بیان	۱۵۲
۳. انعطاف در بیان	۱۵۳
۴. به هم پیچیدگی	۱۵۳
۵. به کارگیری لحن های متفاوت	۱۵۴
۶. بیان تشویقی و کارکردی	۱۵۴
پی نوشت ها	۱۵۶
فصل ۴: ضوابط ناظر به حیثیت صدور قرآن	۱۵۹
۱. قرآن، کتاب خدا	۱۵۹
۱-۱. شیوه های اثبات	۱۶۱
۲-۱. احادیث و سخنان پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۱۶۳
۱-۲-۱. أنزل الله القرآن	۱۶۳
۲-۲-۱. کلام الله	۱۶۳
۳-۲-۱. فصل القرآن من الذكر	۱۶۴
۴-۲-۱. عرض القرآن علی النبی <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۶۴
۵-۲-۱. روایاتی که دلالت بر نزول قرآن به همین صورت موجود دارد	۱۶۵
۳-۱. بررسی روایات	۱۶۵
۱-۳-۱. کلام	۱۶۶
اول. کلام در لغت و اصطلاح	۱۶۶
دوم. اقسام کلام	۱۶۹
سوم. تکلم خداوند	۱۷۱
۲-۳-۱. خلق قرآن و حدوث و قدم آن	۱۷۷
اول. آرای موجود در باب خلق قرآن	۱۷۸

۲. مصونیت وحی از خطا و تحریف..... ۱۸۲
- ۱-۲. راه‌های اثبات ۱۸۲
- ۲-۲. نفی امکان وقوع خطا در وحی ۱۸۳
- ۱-۲-۲. ویژگی‌های فرشتگان ۱۸۴
- ۳-۲. نفی امکان ذاتی خطا در وحی ۱۸۸
۳. عصمت رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۱۹۰
- ۱-۳. معنای عصمت و معصوم ۱۹۰
- ۱-۱-۳. در لغت و اصطلاح ۱۹۰
- ۲-۳. عصمت شرط نبوت ۱۹۳
- ۳-۳. مراتب عصمت ۱۹۵
- ۱-۳-۳. عصمت در تلقی وحی و ابلاغ آن ۱۹۵
- ۲-۳-۳. عصمت از معصیت و گناه ۱۹۶
- ۳-۳-۳. عصمت از خطا ۱۹۸
۴. جاودانگی قرآن و ابدی بودن پیام آن ۱۹۹
- ۱-۴. قرآن، مصون از تحریف ۲۰۲
- ۱-۱-۴. تحریف در لغت و اصطلاح ۲۰۲
- ۲-۱-۴. اقسام تحریف ۲۰۳
- اول. تحریف معنوی ۲۰۳
- دوم. تحریف لفظی ۲۰۴
- ۳-۱-۴. ضرورت اثبات مصونیت و نزاهت قرآن از تحریف ۲۰۷
- ۴-۱-۴. گواهی روایات بر مصونیت قرآن از تحریف ۲۰۹
- اول. حدیث ثقلین ۲۰۹
- دوم. روایات عرضه ۲۱۲
- سوم. روایات مراجعه به قرآن در فتنه‌ها ۲۱۴
- چهارم. روایات تلاوت سوره کامل در نمازها ۲۱۶
- پنجم. روایات فضایل و خواص سوره‌ها ۲۱۸
- ۵-۱-۴. روایات دال بر تحریف ۲۱۹
- اول. نقد سندی روایات تحریف ۲۲۰

۲۲۱	دوم. نقد متنی روایات تحریف.....
۲۲۵	۲-۴. نسخ در قرآن.....
۲۲۵	۱-۲-۴. نسخ در لغت.....
۲۲۶	۲-۲-۴. نسخ در اصطلاح.....
۲۲۹	۳-۲-۴. امکان نسخ.....
۲۲۹	۴-۲-۴. اقسام نسخ.....
۲۳۰	۵-۲-۴. لزوم شناخت ناسخ و منسوخ.....
۲۳۳	پی‌نوشت‌ها.....
۲۴۱	فصل ۵: ضوابط ناظر به حیثیت دلالت قرآن.....
۲۶۱	۱. معنای نهایی قرآن.....
۲۶۶	۲. اصل حجیت ظواهر کتاب.....
۲۶۷	۱-۲. ظاهر.....
۲۶۷	۱-۱-۲. ظاهر در لغت.....
۲۶۷	۲-۱-۲. ظاهر در اصطلاح.....
۲۷۱	۲-۲. حجیت.....
۲۷۲	۳-۲. زبان قرآن.....
۲۷۳	۴-۲. سبک بیانی قرآن.....
۲۷۴	۱-۴-۲. عرف، مخاطب شارع.....
۲۷۸	۵-۲. بیان سه نکته.....
۲۸۲	۶-۲. بطن.....
۲۸۲	۱-۶-۲. استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد.....
۲۸۶	۲-۶-۲. دیدگاه‌های موجود در باب باطن قرآن.....
۲۸۶	اول. دیدگاه معناشناسانه.....
۲۸۸	دوم. دیدگاه وجودشناسانه.....
۲۹۳	۳-۶-۲. نقش بطن در استنباط حکم شرعی.....
۲۹۵	۷-۲. محدوده حجیت ظواهر.....
۲۹۶	۱-۷-۲. حجیت ظهور نسبت به غیرمقصودین بالافهام.....
۳۰۰	اول. حجیت ظهور نسبت به غیرمقصودین بالافهام در روایات.....

۳۰۵قرائن صارفه.....۲-۷-۲
۳۰۶درجات مختلف ظهور الفاظ کتاب از حیث ظهور و خفا.....۳-۷-۲
۳۰۸اصل عدم جدایی قرآن از پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> و اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>۳
۳۰۹پی‌نوشت‌ها.....
۳۲۳نتیجه‌گیری.....
۳۲۸پی‌نوشت‌ها.....
۳۲۹یادداشتها.....
۳۳۷منابع و مأخذ.....
۳۳۷منابع فارسی.....
۳۴۱منابع لاتین.....
۳۴۱منابع عربی.....
۳۷۷نمایه.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبیر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به‌مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُنشِرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسراء، آیه شریفه ۹)، «صدور حکمت» (وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ - سوره مبارکه یس، آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعة، آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم، سوره مبارکه الکهف ۱۸، آیه شریفه ۵۴). این خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان منتفی ساخته و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستند را در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند بدان

اتکاء نماید؛ چنان که فرموده است: (إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (قرآن کریم. سوره مبارکه الحجر آیه شریفه ۹).

با این معنا و با عنایت به سفارش‌های بیان شده از سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره‌ای، آشکار می‌گردد. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام به‌عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه‌های دینی تأسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کژی و انحراف دور باشد (أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ - قرآن کریم. سوره مبارکه التوبه، بخشی از آیه شریفه ۱۰۹)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و ...) تنها اولویت محوری دانشگاه به‌شمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجوریتی تعریف شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌دانند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهی و کفر بازداشته شوند؛ «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الفرقان، آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ هم‌زمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به‌اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ به‌ویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از راهنمایی‌های ارایه شده از معصومین علیهم‌السلام، در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات

سخن ناشر □ ۱۳

قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه الاسراء، بخشی از آیه شریفه ۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

دیباچه

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن کریم یگانه منبع اطمینان بخش و مورد اعتماد در راستای شناخت احکام و تعالیم دین مبین اسلام نزد همه دانشمندان مسلمان در کلیه مذاهب اسلامی در طول تاریخ پربار فرهنگ اسلامی است و به تعبیر اصولی، مسلکان قرآن تنها کتاب آسمانی قطعی الصدور است. تمامی فرق مسلمان بر این باورند که این کتاب عظیم دست خوش هیچ گونه تحریف و یا افزونی و کاستی نشده است و همگان بر لزوم رجوع به قرآن و استفاده بی کران از این آبخور و سرچشمه عظیم احکام و تعالیم الهی متفق القول اند.

از دیرباز - و به ویژه از سده های دوم و سوم هجری - به دلیل گسترش حیطه علوم اسلامی و نیاز مسلمانان به فهم دقیق آیات قرآنی و استنباط احکام و بایدها و نبایدها از آن، دیدگاهها - و به تعبیری روشها و سلیقه های - گوناگون به منصفه ظهور درآمده و هریک طرفداران و پیروانی پیدا کردند. ظهور مکاتبی از قبیل مکتب معتزله و اشاعره و مرجئه و اخباری گری و محدثین، نقش به سزایی در گسترش و توسعه این سلاطین و دامن زدن به آن را ایفا کردند. روند این اختلاف آراء و انظار، گاه دچار افراط و تفریط گردیده به گونه ای که گروهی قرآن را یکجا کنار گذاشته و استنباط احکام از آن را ممنوع نموده و آن را ویژه ائمه معصومین علیهم السلام می دانستند و گروهی دیگر استفاده نامحدود و بدون هیچ قید و شرط و برای همگان - اعم از دانشمند و یا کسی که اندک مایه علمی دارد - را مجاز می دانستند.

در این گیرودار و در بحبوحه تضارب آراء و سرگشتگی فکری و عقیدتی، ائمه

معصومین علیهم‌السلام به هدایت مسلمانان و روشن‌گری و ارائه راه صحیح و درست بهره‌وری از قرآن مبادرت ورزیدند. راه و روشی عقلایی و خداپسند که از هرگونه افراط و یا تفریط به دور بوده و صلاح و فلاح و سعادت دنیا و آخرت مسلمان را تضمین نماید و راه سوءاستفاده و یا کجروی و تکروی و اعمال آراء و انظار شخصی و استنباط‌های غیرمستدل و نشأت گرفته از حب و بغض شخصی مسدود شده و استفاده از منابع ظنی و سست و ضعیف، همچون مصالح مرسله و سدّ ذرایع و عمل به رأی و قیاس و منابعی از این دست که هیچ‌گونه دلیل و پشتوانه علمی و عقلی ندارد، کنار گذاشته شود.

از آنجا که بررسی ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن از دیدگاه ائمه هدی علیهم‌السلام امری ضروری و حائز اهمیت فراوان برای دانشمندان و پژوهش‌گران و محققان در زمینه‌های علوم قرآنی و فقهی و اصولی و تفسیری است و به این مسأله کمتر توجه شده و یا به شکل پراکنده در رساله‌ها و کتاب‌ها اشاره شده است. نویسنده کتاب حاضر که تألیف جناب دوست فاضل و ارجمند آقای علی کریمی خوشحال است، درحد قابل توجهی توانسته پاسخگوی پرسش‌ها در این زمینه بوده و رهگشای بسیاری از ابهامات و ناشناخته‌ها و کشف روش و منبای ائمه معصومین علیهم‌السلام در تعامل با قرآن و نحوه بهره‌مندی و استنباط احکام از آن قرار گیرد.

کتابی که اکنون پیش‌روی ما است با یک مقدمه و دو فصل تدوین شده، که هر فصل دارای بخش‌های جداگانه‌ای است.

در مقدمه این کتاب به تعریف مسأله و پیشینه تاریخی و ضرورت تحقیق آن پرداخته است و در فصل اول کلیات و واژگان اصلی و اصلاحات به کاررفته در آن مورد کنکاش و تحقیق کامل و مبسوط قرار گرفته است. فصل دوم این کتاب نیز دربرگیرنده بحث اساسی ضوابط استنباط از دیدگاه اهل‌البیت علیهم‌السلام و آموزه آن بزرگواران در این زمینه و بیان مشروح و مبسوط آن است.

آنچه که برغنای موضوعات و مسائل مطروحه در این کتاب افزوده، اشراف و مراجعه نویسنده به منابع فراوان و گران‌سنگ شیعه و نیز متون و تألیفات اهل سنت است. امیداست إن شاء الله الرحمن این مجموعه ارزشمند که نتیجه زحمات خستگی‌ناپذیر و تلاش مجدانه و پیگیر نویسنده محترم آن است، مورد استفاده عاشقان علوم قرآنی و فقهی در حوزه و دانشگاه قرار گرفته و خداوند متعال بر توفیقات مؤلف بیفزاید.

دیاچه □ ۱۷

گردآورنده این کتاب در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۹ ه.ش در مقطع تحصیلات کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام جزو دانشجویان پرتلاش و اهل تحقیق اینجانب بوده و تلاش پیگیر و قابل ستایش و تقدیری در خصوص موضوع کشف و بررسی ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن کریم از دیدگاه و منظر ائمه معصومین علیهم السلام انجام داده است.

محمود جمال‌الدین زنجانی
استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

مقدمه

۱. تعریف مسأله

قرآن برنامه زندگی و فقه مجموعه قوانینی است که روابط انسانی را در همه ابعادش اعم از رابطه او با پروردگار خویش، نفس خویش، در ارتباط با طبیعت و در ارتباط با انسان‌های دیگر را تنظیم می‌کند. آیاتی که به احکام فقهی و تکالیف عملی ارتباط دارد در علم فقه به آیات الاحکام نامیده شده‌اند. به عبارت دیگر، بر آن دسته از آیات قرآن اطلاق می‌شود که بیان‌گر احکام عملی اسلام باشد.

بحث درباره این بخش از آیات و تفسیر آن‌ها از قدیم‌ترین بخش‌های تفسیر است که مفسران و فقیهان از آغازین دوره‌های تفسیر و فقه به آن توجه کرده‌اند. استنباط احکام فقهی از آیات قرآن، سابقه در زمان نزول قرآن دارد و در همان عصر پیامبر ﷺ، صحابه برای به دست آوردن احکام عملی به قرآن روی می‌آوردند و سپس در زمان صحابه و تابعان این گرایش گسترده‌تر شد (نمونه‌های فراوانی از آن را متقی هندی گزارش کرده است^۱). در این مطلب شکی نیست که اهل بیت علیهم‌السلام آگاه‌ترین و آشنا‌ترین افراد به قرآن و همچنین به نیازهای انسان در طول زمان هستند. همان‌طور که روایات مستفیضه و حتی شاید متواتر در این زمینه بیان‌گر این مطلب خطیر نیز هستند.

از آنجا که قرآن کریم، پیش از همه، کتابی هدایتی تربیتی است و همه آنچه را که در هدایت انسان به سعادت حقیقی و جاودانه مؤثر است، بیان کرده، طرح مباحث فقهی در قرآن نیز با همین هدف متناسب است؛ لذا این امر سبب شده تا آیات الاحکام، ویژگی‌هایی متفاوت با کتاب‌های فقهی - حقوقی داشته باشد که از آن جمله است: بیان

احکام به گونه‌ای فشرده و در حد اشاره و کلی، بیان احکام به صورت پراکنده در سوره‌های گوناگون و جدا جدا. ویژگی دیگر اینکه قرآن به طور عام، احکام را به صورت نص و غیرقابل تردید بیان نکرده است؛ بلکه به گونه‌ای آورده که قابل برداشت‌های گوناگون است. در نتیجه، استناد به بسیاری از آیات، دچار مشکل و مدلول آنها ظنی الدلالة شده است.

نکته شایان ذکر دیگر این است که آیات الاحکام در لابه‌لای دیگر معارف قرآن قرار گرفته و میان آنها ارتباطی قوی ایجاد شده است و همین نوع بیان احکام، به شکلی جذاب همراه با ترغیب یا تهدید و انذار بوده است.

از جهت دیگر فتوا دادن از نظر امامان اهل بیت: کاری است بس خطیر و اگر پای استنباط از قرآن به میان آید، این حساسیت دو چندان خواهد شد؛ زیرا برای شناخت قرآن افزون بر آشنایی با زبان عرب، شناخت سبک ویژه بیانی قرآن نیز ضرورت دارد. آشنایی کلی با جهان بینی قرآنی نیز شرط لازم دیگری برای درستی استنباط احکام از آن است. بنابراین تنها آشنایی با زبان عربی برای تفسیر قرآن و استنباط نظری آن کافی نیست، همان گونه که تنها آشنایی با برخی از دانش‌های مربوط به فهم استدلال، مثل منطق نیز در فهم آن کافی نیست. دانستن زبان عربی، قواعد استدلال، شناخت سبک ویژه قرآن و آشنایی با جهان بینی قرآنی از ارکان مهم فهم و استنباط احکام قرآنی است. از جمله مسائلی که در سیر پویایی فقه قرآنی می‌تواند مؤثر باشد و سهمی مهم را ایفا کند، دریافت و باورها نسبت به روایاتی است که در زمینه آیات فقهی قرآن صادر شده است و اینکه ائمه اطهار علیهم‌السلام در برخورد با آیات فقهی از چه روش‌هایی بهره می‌بردند و اینکه آیا تکیه ائمه علیهم‌السلام بر روش استظهاری بوده است یا کشف بطون؛ همان رویکردی که در تفسیر با آن مواجه هستیم.

نکته دیگری که باید بررسی شود این است که آیا روایاتی که برای آیات الاحکام، شرایط، نمونه‌ها و قیدهایی را یاد کرده، درصددند تا معنایی ثابت و تغییرناپذیر و مصادیقی جزمی را برای آیات ارائه دهند؛ یا روایات ارائه طریق استنباط کرده و نمونه‌ها را در اختیار می‌گذارند. به تعبیر دیگر آیا روایات در مقام تشریح احکام ثابت و جاودان هستند (که در این صورت تغییرناپذیر و غیرمتحوّل خواهند ماند) یا اینکه روایات در مقام تطبیق و هماهنگ‌ساختن هستند و راه این هماهنگ‌ساختن در هر زمان باز است و

عرف و فقیهان هر عصری وظیفه دارند تا آیات فقهی قرآن را بر واقعیت‌های جاری زمان خود هماهنگ ساخته و حکم حوادث و موضوعات را شناسایی کنند.

با توجه به مطالب ذکر شده به این نتیجه دست می‌یابیم که موارد بهره‌گیری هر چه بیشتر از قرآن می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد، که از آن جمله است: نحوه برخورد ائمه معصومین علیهم‌السلام با آیات و بررسی روایاتی که از آن حضرات در زمینه آیات الاحکام به دست ما رسیده است و میزان کارکرد آنها و به دست آوردن نکاتی که در استنباطات فقها مورد بهره‌برداری صورت بگیرد. که در این بین نحوه استفاده از آیات الاحکام توسط ائمه معصومین علیهم‌السلام با توجه به شأن تفسیری و تبیین‌کنندگی آنان با توجه به آیات (آیه مس^۲) و روایات (روایت ثقلین^۳) از درجه اهمیت بالاتری برخوردار می‌باشند.

۲. ضرورت و پیشینه تألیف

چنانکه بحث درباره آیات احکامی و تفسیر آنها از قدیم‌ترین بخش‌های تفسیر است که مفسران و فقیهان از آغازین دوره‌های تفسیر و فقه به آن توجه کرده‌اند. استنباط احکام فقهی از آیات قرآن، سابقه در زمان نزول قرآن دارد و در همان عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، صحابه برای به دست آوردن احکام عملی به قرآن روی می‌آوردند و سپس در زمان صحابه و تابعان این گرایش گسترده‌تر شد. پس از دوره غیبت، شرایط یکسان نماند. عوامل گوناگون، در تأثیرپذیری فقه از قرآن اثر گذارد. گرچه در تاریخ فقه، بزرگوارانی هستند که این الفت را جست‌وجو کرده‌اند و در راه آن، تلاش‌ها ورزیده‌اند، اما این همت و حمیت، چهره غالب نیافت و فقه شیعی را (فقه قرآنی) نساخت. در اصول و فقه، حدیث حرمت اصلی داشت. در حاشیه احادیثی چون حدیث رفع، استصحاب و... هزاران ورق نگاشته شد، رساله‌ها و کتاب‌ها تنظیم گشت، اما در استنباط از آیات فقهی، کاوشی شایسته انجام نگرفت. لذا از جمله مسائلی که در سیر پویایی فقه قرآنی می‌تواند مؤثر باشد و سهم مهمی را ایفا کند، دریافت و باورها نسبت به روایاتی است که در زمینه آیات فقهی قرآن صادر شده است و اینکه ائمه اطهار علیهم‌السلام در برخورد با آیات فقهی از چه روش‌هایی بهره می‌بردند و اینکه آیا تکیه ائمه علیهم‌السلام بر روش استظهاری بوده است یا کشف بطون؛ همان رویکردی که در تفسیر با آن مواجه هستیم. بنابراین، برای دریافت احکام از قرآن کریم هم باید به دیدگاه خاص قرآن‌شناسانه مسلح بود و هم به فهم جهان‌بینی قرآنی و نیز باید به مراجعی تکیه داشت که قرآن در خانه آنان نازل شده

است، بدین منظور است که دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام را درباره آیات الاحکام با دقت مورد پژوهش قرار می‌دهیم تا دریابیم اسوه‌های ما با توجه به چه ضوابطی احکام را از قرآن استنباط می‌کرده‌اند، تا از آنان الگو بگیریم.

در این زمینه مباحثی در اصول فقه و مباحث علوم قرآنی مطرح شده است، اما میزان استناد این مباحث به ائمه معصومین علیهم‌السلام مشخص نیست. شاید هم اصولیون ما تمام این مباحث را از دل روایات استخراج کرده باشند، اما ایشان متأسفانه مستندات خود از روایات را بیان نکرده‌اند تا احیاناً دانشجوی این رشته بتواند زمینه نقد این نظریات را در خود به‌وجود آورد. همچنین میزان دخیل بودن آنها در مسیر استنباط، آن هم از قرآن کریم، به‌روشنی بیان نشده است.

مباحثی همچون مفاهیم و انواع دلالت‌ها که در اصول فقه مطرح می‌شود، برای دانشجوی این رشته هیچ جایگاهی در مسیر استنباط احکام از قرآن و حدیث ندارد و به‌طور کلی فقط به ظاهر قرآن و حدیث نظر می‌افکند. غافل از اینکه این قبیل از مباحث در کشف اصول و قواعد و احکام کلی‌ای که خود پاسخ‌گوی بسیاری از سؤالات فرعی هستند، کمک فراوانی به فقیه می‌کنند.

اینجاست که به اهمیت این حدیث از امام صادق علیه‌السلام می‌رسیم که می‌فرماید: «هیچ امری نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر داشته باشند، جز آنکه برای آن در کتاب خدا ریشه و بنیادی است ولی عقل‌های مردم به آن نمی‌رسد.»^۴

۳. سؤالات تألیف

سؤالات اصلی تحقیق عبارتند از:

۱. ائمه علیهم‌السلام با توجه به چه ضوابط و پیشنهادهایی به سراغ استنباط از قرآن به ویژه آیات احکامی می‌رفتند؟
۲. ائمه علیهم‌السلام در استنباط از آیات الاحکام بر ظواهر قرآن تکیه داشته‌اند یا به بطون نیز نظر دارند؟ و در صورت تکیه بر ظواهر، می‌توان برای اثبات حجیت ظواهر قرآن به این سیره تمسک نمود؟
۳. محدوده حجیت ظواهر با توجه به سیره معصومین علیهم‌السلام تا چه اندازه است؟
۴. روایات وارده در زمینه آیات الاحکام از نظر بیان معنای ثابت یا ارائه طریق استنباط بیان‌گر چه چیزی می‌باشند؟

۴. فرضیه‌ها

۱. بررسی نکات روشی ائمه علیهم‌السلام در استنباط از قرآن نشان می‌دهد که ظواهر قرآن برای همه افراد اهل فن، حجت است.
۲. نگرش فقهی به قرآن، بایستی از محدوده آیات معروف به (آیات الاحکام) گذر کند و قلمروی گسترده‌تری را دربرگیرد. امامان شیعه، از آیات مختلف با مضامین اعتقادی، اخلاقی، تاریخی و... بهره‌برداری‌های فقهی کرده‌اند و در بایدها و نبایدها عملی از آن مدد جست‌اند.
۳. حجیت ظواهر قرآن از جهت ظهور و خفا دارای درجات متعددی می‌باشد که با توجه به اشخاص و میزان آشنایی آنها با زبان قرآن متفاوت می‌شود.
۴. روایات در مقام تطبیق و هماهنگ ساختن هستند نه در مقام تشریح احکام ثابت و جاودان و راه این هماهنگ ساختن در هر زمان باز است و عرف و فقیهان هر عصری این وظیفه را برعهده دارند.

۵. روش انجام تألیف

روش گردآوری اطلاعات در این کتاب، اسنادی کتابخانه‌ای است. در این روش با فیش‌برداری دستی و الکترونیکی و با استفاده از منابع مکتوب و الکترونیکی مستقن و مستدل، به روش تحقیق کیفی (توصیفی، تحلیلی) به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

۱. علی متقی هندی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۲، (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق)، صص ۴۰۰ و ۵۲۷، ج ۵، ص ۴۸۲، ج ۱۱، صص ۷۹ و ۸۰، ج ۱۶، ص ۵۳۷.
۲. «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ جز پاکان کسی از آن آگاه نیست.»؛ الواقعة: ۷۹.
۳. پیامبر اکرم می‌فرمایند: میراث رسالت من دو وزنه وزین است: یکی کتاب خدا و دیگری عترت طاهرین؛ و این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، تا در کنار حوض کوثر با هم بر من وارد شوند و شما نیز اگر به این دو وزنه وزین تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي وَ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَسْرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضُ».
۴. «مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَ لَهُ أُصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ الرَّجَالِ»؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، (تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ پنجم ۱۳۶۳ش)، ص ۶۰.

بخش اول:

کلیات



آیات الاحکام، تعریف و کتاب‌های تألیف شده در آن

۱. تعریف آیات الاحکام

آیات الاحکام، عنوان مشهور و اصطلاحی تعدادی از کتب فقهی استدلالی که بر پایه آیات فقهی قرآن مجید نوشته شده است.^۱ مفسران آیات الاحکام، در این زمینه سخنی نگفته‌اند و چه بسا راز سکوتشان، بدیهی بودن تعریف آیات الاحکام باشد؛ چرا که وصول به معنای مورد نظر، جز رجوع به عرف قرآنی و تبادر، به مؤونه ای دیگر نیاز ندارد. با این حال به برخی از تعاریفی که در کتب معاصرین یافت شده است، اشاره می‌کنیم:

۱. آیاتی که به بیان رؤوس احکام فقهی و اصول شریعت اسلامی می‌پردازد، البته از آن جهت که مورد عمل انسان واقع می‌شود. یا آیاتی که متضمن احکام تشریحی کلی است.^۲

۲. بالجمله همان آیاتی است که در آن اوامر و نواهی و مسائل فقهی آمده است.^۳

۳. آیات الاحکام بر هر آیه‌ای اطلاق می‌شود که حکمی شرعی از آن استخراج شود.^۴

۴. آیاتی که بیان‌گر احکام فقهی هستند^۵ که به مصالح دنیوی و اخروی بندگان می‌پردازد.^۶

۵. آیات الاحکام، بر آن دسته از آیات قرآن اطلاق می‌شود که بیان‌گر احکام عملی اسلام باشد.^۷

۶. آیاتی که مشتمل بر احکام تکلیفی یا وضعی فقهی باشد. لازمه فقهی بودن آیه این است که، شخص مکلف، در برخورد با آن، افزون بر اعتقاد بدان، باید به حسب مورد به مفاد آن عمل کند.^۸

در مجموع به این آیات اصطلاحاً «آیات الاحکام» گفته می‌شود و وقتی به شرح و تفسیر آنها پرداخته می‌شود، عنوان «فقه القرآن» بر آن اطلاق می‌شود.^۹

آنچه از مجموع این نظریات و تعریفات به دست می‌آید این است که واژه‌هایی همچون آیات، حکم شرعی، حکم عملی و حکم فقهی از جایگاهی ویژه برخوردارند. لذا این طور به نظر می‌آید که برای رسیدن به تعریفی صحیح از «آیات الاحکام» باید هر کدام از این موارد را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۱-۱. آیات

۱-۱-۱. آیه در لغت

آیات جمع آیه است و «آی» را نیز به‌عنوان جمع دیگری ذکر کرده‌اند. آیه به معنی نشان به مفهوم عینی و ذهنی و معانی منشعب از آن است.^{۱۰} آیه از واژه‌های بسیار کهن سامی است. تحول معنایی کلمه، همان است که در عربی ملاحظه می‌شود. نخست بر نشانه‌های مادی و ملموس اطلاق شد و سپس بر پدیده‌های طبیعی و آثاری که بر قدرت الهی دلالت دارد.^{۱۱} همه این معانی بارها در عهد عتیق به کار رفته است.^{۱۲}

از آنجا که معنای اصلی کلمه عربی، به کهن‌ترین جوانب زندگی بدوی و اصیل‌ترین سنت‌های ادبی عرب تعلق دارد، لذا نشانه‌هایی را که از منزلگاه قبیله در بیابان به جای مانده، آیه می‌خوانند و این همان معنای اصیل کلمه است. البته می‌دانیم که وصف منزلگه قبیله معشوق، مشهورترین مضمون در «نسیب» قصاید جاهلی است.

زمانی آیه به معنی عَلم و رایت نیز به کار می‌رفته است.^{۱۳} اما همه لغت‌شناسان به تقلید از خلیل بن احمد، آیات را در شعر بُرج بن مُسَهر، «خرجنا من النَّبَین... بآیتنا...» به «جماعت» مردم تفسیر کرده‌اند.^{۱۴} شاید در پرتو همین تفسیر، بعدها این کلمه به مجموعه‌ای از کلمات و حروف نیز اطلاق شده است.

دومین معنای آیه که «نشان یک امر غیرمادی» است نیز در شعر جاهلی به کار رفته است. مانند آیه الإعراض،^{۱۵} و یا به صورت اضافه به فعل:

بآیه تُقَدِّمُونَ الخَيْلَ شُعْتاً، كَأَنَّ عَلِيَّ سَنَابِكهَا، مُدَاماً.^{۱۶}

گویی این معنای اخیر است که پس از تحول، در معنی تازه‌تری که همانا نشان خشم و تهدید و انداز است، به کار گرفته شده است. به‌عنوان مثال نابغه ذبیانی قصیده‌ای سروده است. ذبیانی از دوستان عمرو بن منذر بود، ولی قوم او از دشمنان عمرو بودند و قصد حمله به قبیله او را داشتند. ذبیانی با سرودن این قصیده به او هشدار می‌دهد که قوم او در عکاظ اردو زده و قصد جنگ با قبیله تو را دارند. از ابیات این قصیده که شاهد مثال ما است می‌توان به این بیت اشاره کرد:

مَنْ مُبْلِغٌ عَمْرُو بْنِ هِنْدٍ آيَةً وَ مِنْ النَّصِيحَةِ كَثْرَةُ الْإِنْذَارِ
لَا أَعْرِفُكَ عَارِضًا لِرِمَاحِنَا فِي جُفٍّ تَغْلِبُ وَارِدِي الْأُمْرَا^{۱۷}

۱-۱-۲. آیه در قرآن و اصطلاح

لفظ آیه که معنای جاهلی آن تقریباً به همین ۳ مفهوم منحصر است، همین که وارد قرآن می‌شود، ده‌ها معنی تازه می‌یابد که مفسران به آنها اشاره کرده‌اند.

واژه آیه به صورت مفرد و تشبیه (آیتین) و جمع (آیات) روی هم ۳۸۲ بار در قرآن به کار رفته است.^{۱۸} معنی اصلی آن در اینجا نیز نشان و علامت است. در اصطلاح قرآن، پدیده‌های عالم «آیه» خوانده شده‌اند، زیرا همگی نشان و دلیل بر عظمت و قدرت و علم خدایند که به بیان قرآن یا آفاقی است یا انفسی و در واقع این پدیده‌ها نشان و دلیل بر توحید و معاد هستند.^{۱۹} آیات آفاقی مانند تغییر و تحولات تکوینی همچون خسوف و کسوف و زلزله و... و شاید اطلاق آیه بر این‌گونه موارد از این باب باشد که آنها علامت‌ها و نشانه‌هایی بر احوال روز قیامت باشند.^{۲۰} آیات انفسی مانند گرسنگی و سیری، تشنگی و سیرابی، صحت و مریضی و...؛ چنانکه می‌خوانیم: «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...»^{۲۱} و «و ما شب و روز را دو آیت و نشانه قدرت خود قرار دادیم...»^{۲۲} و در مورد استدلال برای معاد می‌فرماید: «و یکی از آیاتش این است که زمین را می‌بینی مرده و بی‌جنب و جوش است ولی وقتی ما باران بر آن نازل می‌کنیم به جنب و جوش می‌افتد و بالا می‌آید، آری، آن کس که مردگان را زنده می‌کند همان کسی است که زمین را زنده می‌کند که او بر هر چیزی قادر است.»^{۲۳}

در این باره مهم‌ترین معنای آیه، نشانه وجود، علم و قدرت خداوند است. معجزات

پیامبران قبلی و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز آیه خوانده شده است، از آن رو که نشان راستگویی و صدق رسالت آنان است که این معنی در قرآن کریم مکرراً استفاده شده است؛^{۲۴} چنانکه در مورد معجزه معروف حضرت موسی علیه‌السلام، ید بیضاء، می‌خوانیم: «وَاضْمُمُ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءِ آيَةٍ أُخْرَى».^{۲۵}

معانی تبعی و فرعی که در لابه‌لای تفاسیر به آنها اشاره شده است، عبارت است

از:

۱. حکمی از احکام^{۲۶} مانند آیه «در شب روزه‌داری نزدیکی کردنتان با همسرانتان حلال شد...»^{۲۷} و به طور کلی آیاتی چون «ما نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا...»^{۲۸} بر این معنی دلالت می‌کنند. شاید بتوان اشکالی را به این نظریه وارد نمود و آن این که واژه «آیه» در این آیه شریفه به معنی حکم آیه است؛ چنانکه در تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام در تفسیر این آیه آمده است: «امام علیه‌السلام می‌فرماید: محمد بن علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌فرماید: «ما نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ» به اینکه حکم آیه‌ای را رفع کنیم، «أَوْ نُنسِهَا» به اینکه رسم و نوشتار آیه‌ای را برداریم، - در حالی که تلاوت می‌شود - و حفظ و یاد آن را از قلوب مردم پاک کنیم و از قلب تو ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همان‌طور که فرموده است: «سَنْقُرُوكَ فَلَا تَنْسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» به اینکه از یاد تو ببرد پس ذکرش را از قلب تو بردارد.»^{۲۹} که با توجه به این حدیث و مباحثی که حول نسخ در کتب مربوطه آمده است، منظور از آیه، همان حکم آیه است و شاید بتوان نظر کسانی که آیه را بر قسمتی از قرآن اطلاق کرده‌اند که مشتمل بر حکمی شرعی یا موعظه یا مانند آن باشد^{۳۰} را اشاره به همین نکته دانست.

این نکته شایان ذکر است که منظور از این سخن که مراد از آیه، حکم آیه است، این نیست که آیه به معنای حکم به کار رفته یا کلمه‌ای مانند «حکم» در تقدیر است؛ بلکه آیه به معنای خود کلمه به کار رفته است، اما از آنجا که هر کلمه قرآن و هر آیه‌ای دارای بار معنایی خاصی است که مراد خداوند است، اینکه خداوند می‌فرماید «ما نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ» مراد نسخ و رفع و به بیان دقیق‌تر بیان زمان پایان مراد خود و حکم آیه است؛ چنانکه در مباحث نسخ آمده است.

البته برخی نسخ و انسای مورد نظر در آیه «ما نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا...»^{۳۱} را ناظر به تکوینیات دانسته‌اند نه تشریعیات؛ یعنی مثلاً اگر ما حجتی از حجت‌های خداوند را از

دنیا ببریم، حجتی دیگر برتر یا نظیر آن را جایگزین او می‌کنیم.^{۳۲} چنانکه روایاتی را در تأیید این سخن می‌بینیم.^{۳۳}

نکته قابل توجه این است که همان‌گونه که اشیا از جهات مختلف می‌توانند آیه و نشانه الهی باشند و تا درجه آیت کبری پیش روند،^{۳۴} همان‌گونه هر آیه می‌تواند تک بعدی و یا چند بعدی باشد و در صورتی که چند بعدی باشد، اگر از یک جهت نسخ شود، از جهتی دیگر هنوز آیه است. همانند آیات قرآن کریم که از حیث احکام شرعی نسخ می‌شوند، اما از حیث بلاغت و اعجاز و مانند آن همچنان آیه الهی هستند.^{۳۵}

۲. یکی از معانی اصطلاحی «آیه» که آن هم ناشی از معنای نشان و علامت است، کلمات، عبارات و یا جملاتی از قرآن است که به یکدیگر متصل بوده و با نشانه‌های خاصی از هم تفکیک شده است^{۳۶} و سوره از آنها تشکیل می‌یابد و تعداد آنها در هر سوره‌ای معین و توقیفی است. هر کدام از این بخش‌ها یک علامت است که همانند علائم طبیعی به خدای سبحان و یا بخشی از معارف اعتقادی، احکام عملی و یا اصول اخلاقی که منظور خداوند است، دلالت می‌کند.^{۳۷} چنانکه در قرآن می‌خوانیم: «تَلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ...».^{۳۸} شاید دلیل این امر به همان تفسیری برگردد که در اطلاق کلمه آیه به معنای جماعت و مجموعه‌ای از کلمات و حروف گفته شد^{۳۹} و آیه را بر مجموعه‌ای از حروف قرآن اطلاق کرده‌اند.^{۴۰}

۳. دلیل؛^{۴۱} «... نشانه پادشاهی وی این است که صندوق معروف دوباره به شما بر می‌گردد...».^{۴۲}

۴. به معنی اشیاء چشم‌گیر مانند بناهای مرتفع و عالی؛^{۴۳} چنانکه می‌خوانیم: «چرا در هر مکانی به بیهوده نشانی بنا می‌کنید؟».^{۴۴}

۵. پند و عبرت؛^{۴۵} «اینک امروز بدنت را از آب بیرون می‌اندازیم، تا برای آیندگان آیت و عبرتی باشی...».^{۴۶}

۶. سخن مفید و سودمند؛^{۴۷} و فی الخبر: «بلغوا عني ولو آية»، أي بلغوا عني أحاديث ولو قليلة.

۷. قصه؛^{۴۸}

۸. شخص؛^{۴۹} آية الرجل: شخصه.

۹. مثال و نمونه؛^{۵۰}

۱۰. حجت؛ چرا که حجت علامتی بر حق است.^{۵۱}

ولی روشن است که این معانی گوناگون در واقع همه به یک قدر مشترک بازگشت می‌کند و آن مفهوم نشانه و علامت بودن است.

۱-۱-۳. زمینه‌های کاربردی شناخت آیه در فقه

از بین معانی فوق، آنچه با بحث ما ارتباط نزدیک‌تری دارد، همان معنای اصطلاحی دوم است. البته در این زمینه نظرات فراوانی وجود دارد که علمای علوم قرآن و علمای فقه به بحث در این باره و تبیین جایگاه و ضرورت پرداختن به این مبحث و بیان موارد کاربرد آن در فقه پرداخته‌اند. از آن جمله در کتاب «الموسوعة القرآنية» به برخی از مواردی که بر شناخت آیات و تعداد و فواصل آنها احکام فقهی بار می‌شود، اشاره شده است.^{۵۲} از جمله اعتبار آیه در مورد کسی که به سوره فاتحة الكتاب جهل داشته، که در چنین صورتی واجب است که بدل از آن، هفت آیه بخواند.^{۵۳} یا اعتبار آن در خطبه، که واجب است آیه‌ای که از نظر معنا تمام باشد، قرائت شود.^{۵۴}

۱-۱-۴. محدوده آیه

بعد از مشخص شدن موارد کاربرد شناخت اصطلاح آیه در فقه، در این‌جا حد آیه به چه مقدار است سخنان زیادی گفته شده است:

۱. آیه نزد حنفیه به نقل از کتاب النهر از شرح الشاطیبه جعبری عبارت است از مقداری از قرآن که مرکب از جملات، هرچند تقدیری، بوده و دارای آغاز و پایان بوده و مندرج در سوره است.^{۵۵} که البته این به تعریفی برمی‌گردد که حصکفی در «الحلیه» از حاشیه کشاف که نویسنده آن علاء الدین بهلوانی است، نقل کرده است.

حصکفی معتقد است آیه در عرف به مجموعه‌ای از حروف قرآن گفته می‌شود که ترجمه خاصی داشته و کمترین مقدار آن شش حرف باشد، اگرچه تقدیری باشد؛ مانند آیه «لم یلد».^{۵۶} البته منظور از این‌جا ترجمه خاصی داشته باشد این است که دارای آغاز و پایانی باشد.^{۵۷}

این‌جا گفته شده «اگرچه تقدیری باشد» اشاره به نقدی است که حصکفی به کتاب «البحر الرائق» وارد می‌کند. بدین بیان که «لم یلد» یک آیه است و به همین خاطر است که امام ابوحنیفه قرائت این آیه را با این‌که پنج حرفی است، در نماز جایز دانسته است

و وجه آن این است که «لم یلد» در اصل «لم یولد» بوده که در چنین صورتی شش حرفی خواهد بود، اگرچه تقدیری می‌باشد. البته آنچه در دو کتاب «الحلیة» و «البحر الرائق» آمده است، حاکی از این است که در ظاهر و صورت کلمه شش حرف داشته باشد که در چنین صورتی اشکال حصکفی وارد نخواهد بود.^{۵۸}

۲. آیه مجموعه‌ای از قرآن است که از ماقبل و مابعد خود جدا می‌باشد.^{۵۹} و این مسأله‌ای توقیفی بوده که از پیامبر ﷺ گرفته شده است.^{۶۰}

۳. استعمال واژه آیه در مجموعه‌ای از قرآن که ابتدا و انتهای آن مشخص باشد، شیوع پیدا کرده است.^{۶۱}

۴. هر کلامی از قرآن که فصلی را از فصل دیگر چه ماقبل و چه مابعد، لفظاً جدا کند، بنابراین سور قرآن به اعتبار آیاتی است که در آن سوره‌ها در نظر گرفته شده است.^{۶۲} که آن لفظ نیز توقیفی است.^{۶۳}

۵. آیه به هر یک از آن تعداد مواردی گفته می‌شود که در هر سوره شمارش شده است. به عنوان مثال اگر در سوره‌ای مانند سوره کوثر سه شماره وجود داشته باشد - إِنْأَ أُعْطِينَاكَ الْكُوثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ - به هر کدام از آنها یک آیه اطلاق می‌شود و علت این نامگذاری این است که آن نشانه‌ای است بر راستگویی کسی که آن را آورده است و بر عجز و ناتوانی کسی به تحدی بر آن دعوت شده است.^{۶۴}

۶. جمله یا جملاتی که در آخر آنها نشانه وقف قرار گرفته است.^{۶۵}

۷. هر کلام متصلی که به جایی ختم شود، آیه بر آن اطلاق می‌شود.^{۶۶}

۸. آیه مجموعه‌ای از قرآن که به هم پیوسته بوده، حال کوتاه یا بلند باشد.^{۶۷}

۹. آیه نشانه‌ای بر جدایی کلام از ماقبل و مابعد خود است.^{۶۸}

۱۰. واحدی و برخی اصحاب گفته‌اند بنابر قول بالا می‌توان گفت کمتر از مقدار معروف آیه که در قرآن کریم به عنوان یک آیه محسوب شده است، آیه باشد و این در صورتی است که توقیفی بودن آیات را قبول نداشته باشیم؛ البته شاید در صورت قبول توقیفی بودن نیز قائل به این قول شویم.^{۶۹}

۱۱. ابو عمر الدانی قائل است که یک کلمه آیه نمی‌باشد مگر «مُدْهَا مَتَان». که البته غیر ایشان موارد نقضی را همچون والضحی، والعصر و همچنین بعضی فوآتح سوره‌ها را نیز یک آیه شمرده‌اند.^{۷۰}

۱۲. برخی گفته‌اند: نظر صحیح این است که آیه جز از طریق توقیف از سوی شارع شناخته نمی‌شود، چنان‌که در مورد سوره نیز چنین است. بنابراین آیه مجموعه‌ای از حروف قرآن است که جدایی معنایی آن از کلام مابعد خود در ابتدای قرآن و از کلام ماقبل خود در انتهای قرآن و از کلام ماقبل و مابعد خود در غیر دو مورد قبل که شباهتی نیز با آنها نداشته باشد همچون ابتدای سوره، از طریق توقیف شناخته می‌شود. که با ذکر این قید سوره از محدوده تعریف خارج می‌شود.^{۷۱}

۱۳. زمخشری قائل است آیات علمی توقیفی است و مجالی برای قیاس باقی نمی‌ماند و به همین خاطر است که «الم»، «المص» و «حم» و «طه» و «یس» را یک آیه شمرده‌اند؛ ولی «الم»، «الر» و «طس» را آیه محسوب نکرده‌اند.^{۷۲}

۱۴. در اصطلاح، آیه بر هر کلام جدای از کلام دیگر اطلاق می‌شود که به حسب مفهوم مستقل بوده و می‌توان بر آن سکوت کرد.^{۷۳} و علت این امر یا به خاطر این است که آیه علامتی است که به وسیله آن ماقبل آن شناخته می‌شود یا به این خاطر است که نشانه‌ای است بر راستگویی کسی که آن را آورده است و بر عجز و ناتوانی کسی که به تحدی فراخوانده شده است.^{۷۴}

۱۵. گاهی نیز مراد از آیه معنای متعارف آن است که همان مجموعه‌ای از قرآن و غیر آن می‌باشد.^{۷۵}

شمارش آیات از معضلات علوم قرآن است چرا که آیات کوتاه و بلند وجود داشته و برخی آیات منقطع بوده و برخی در انتهای کلام تمام شده و برخی در اثنای کلام آیه شمارش شده است. که همین امر باعث شده برخی همچون ابن عربی سبب اختلاف در شمارش آیات قرآن را در بلندی و کوتاهی آیات و این‌که در برخی آیات قبل از به پایان رسیدن کلام نشانه آیه گذاشته شده است و در برخی دیگر در انتهای معنای کلام، دانسته‌اند.^{۷۶} دیگران سبب اختلاف را در اختلاف شنوندگان از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ضبط وقف و وصل آیات دانسته‌اند. آنچه که در این زمینه معروف است و شهرت دارد این است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جهت توقیفی بودن، بر رؤوس آیات وقف می‌نمودند و وقتی که محل آنها مشخص می‌شد برای تمام شدن معنا، آنها را به یکدیگر متصل می‌نمود. بدین جهت برخی از شنوندگان به هنگام وصل نمودن، توهم نمودند که فاصله‌ای ایجاد نشده است.^{۷۷}

الف. نقد و بررسی نظرات

پس از بیان نظریات مختلف موجود در این مبحث به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:^{۷۸}
آنچه از قول نخست که سخن جعبری بود، به دست می‌آید این است که آیه عبارت است از جملاتی که دارای آغاز و یا مقطع‌هایی باشند که از نظر مفهومی سکوت بر آنها صحیح باشد. چنانکه از ظاهر قول حصکفی نیز همین به دست آمده بود که منظور وی از داشتن ترجمه خاص این بود که دارای آغاز و پایانی باشد. در چنین صورتی قول دوم نیز که عبارت بود از مجموعه‌ای از کلمات قرآن که از ماقبل و مابعد خود جدا باشد، به همان قول نخست برمی‌گردد. چرا که مناط در انقطاع، همان تمامیت در مفاد و مفهوم است. هرچند این امر، امری توقیفی باشد. چنانکه قول سوم نیز به قول دوم برگشته و بالتبع به قول نخست باز خواهد گشت. آنچه از قول چهارم نیز به دست می‌آید این است که جدایی دو کلام از یکدیگر جز بر اساس تمامیت مفهوم امکان‌پذیر نمی‌باشد.

قول پنجم که برای آیه نه حدی و نه رسمی را مشخص نمی‌کند. مگر این که منظور از این همان استقلال در مفهوم در دلالت بر مراد خویش باشد و گرنه مجرد این که از موارد شمارش شده باشد، موجب تشخیص در مستقل بودن از دیگر موارد نخواهد بود. در اقوال هفتم و هشتم نیز ختم شدن آیه و کوتاه یا بلند شدن آن باید بر اساس و ملاکی استوار باشد که جز بر معیار تمامیت مفهوم امکان‌پذیر نخواهد بود.

در قول نهم اگر منظور از آن جدایی به هنگام اتمام نفس حین تلاوت باشد که نه حد و نه رسمی را معین نمی‌نماید و اگر منظور جدایی از جهت مفهوم است که دوباره به همان قول نخست برمی‌گردد.

اقوال ششم، دهم تا سیزدهم نیز به همان توقیفی بودن آیات اشاره دارد. همچنانکه اقوال دیگر نیز توقیفی بودن آیات را اثبات می‌کنند.

قول چهاردهم نیز به همان معیار استقلال در مفهوم اشاره دارد و قول پانزدهم که به ظاهر منظور همان نشانه‌ها بر وجود خدا و حقانیت گفتار پیامبر ﷺ و مواردی از این قبیل است.

حاصل بحث این است که در تشخیص آیه از غیر آیه دو قول است:

۱. استقلال در مفاد و مفهوم.

۲. توقیفی بودن از سوی شارع.

لازمه قول دوم این است که برای تشخیص آیات باید نص معتبری از سوی